



## درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

تاریخ: ۵ آذر ۱۴۰۳

موضوع جزئی: آیه ۵۸ و ۵۹ - بخش‌های پنج‌گانه آیه ۵۸ - بخش پنجم: «نغفر لکم خطایاکم و سنزید المحسنین» - مصادف با: ۲۳ جمادی الاول ۱۴۴۶

جلسه: ۱۶

مطلب اول: قرائت برخی کلمات آیه - مطلب دوم: «معنای این بخش» -

مطلب سوم: چگونگی ارتباط «سنزید المحسنین» و «نغفر لکم خطایاکم» - دو احتمال و نظر برگزیده

# «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

**بخش پنجم: «نَغْفِرُ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ»**

بخش پنجم در آیه ۵۸ این است: «نَغْفِرُ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ». در مورد این بخش یک بحث مربوط به قرائت برخی از کلمات این آیه است و یک بخش هم مربوط به معنا و محتوای این آیه.

**مطلب اول: قرائت برخی کلمات آیه**

از جهت قرائت، در مورد دو کلمه «نغفر» و «خطایاکم» اختلاف قرائت وجود دارد.

۱. قرائت «نغفر»

حداقل چهار قرائت در «نغفر» ذکر شده است:

۱. «نغفر» که در همین قرآن‌های موجود در دست ما هم به همین شکل ذکر شده، «نغفر لکم». این را ابو عمرو و ابن المنادی نقل کرده‌اند.

۲. نافع قرائت «یغفر» آورده است، یعنی «یغفر لکم خطایاکم».

۳. برخی «تغفر» نقل کرده‌اند که به غیر از نافع از اهل مدینه و برخی دیگر، به این شکل قرائت کرده‌اند.

۴. برخی هم «یغفر» قرائت کرده‌اند.

پس چهار قرائت در اینجا وجود دارد؛ اما نکته مهم این است که علی‌رغم تفاوتی که در قرائت این کلمه وجود دارد، معنا تغییر نمی‌کند؛ چون در هر صورت سخن از غفران خداوند تبارک و تعالی است؛ اوست که می‌پوشاند، می‌بخشد و گناهان را مستور می‌کند. لذا اگر می‌فرماید «نغفر لکم»، یعنی ما می‌بخشیم بر شما؛ اما چه چیزی را، «خطایاکم» است که توضیح خواهیم داد. بر شما می‌بخشیم آن خطایا را. یا اگر می‌گوید «یغفر لکم»، باز خداوند خطایای شما را می‌بخشد؛ یا «تغفر لکم» باز اینجا با صیغه مجهول بحث همان غفران است. اگر «تغفر» هم باشد، تفاوتش با «یغفر» به حیث تأنیث و تذکیر کلمه «خطایاکم» است که به هر دو وجه قابل ذکر است.

۲. قرائت «خطایاکم»

اما در مورد «خطایاکم» هم چند قرائت ذکر شده است. منظور از «خطیئة» در واقع همان خطا، ذنب، گناه و نافرمانی و سرکشی است.

۱. «خطایاکم» این یک احتمال است؛ این قرائت کسائی است.

۲. برخی «خطیبتکم» قرائت کرده‌اند که مدّ و همزه دارد.

۳. برخی «خطیباتکم» قرائت کرده‌اند، یعنی «نغفر لکم خطیبتکم یا خطیباتکم».

۴. برخی «خَطُّنْکُمْ» قرائت کرده‌اند. اینجا «ی» ندارد؛ «نغفر لکم خطنکم» یا «خَطُّنْکُمْ». یکی دو قرائت دیگر هم ذکر شده است.

در مورد اختلاف قرائت در مورد «خطایا» هم مهم این است که معنا تغییر نمی‌کند؛ آن چند وجهی که در قرائت «نغفر» و نیز «خطایاکم» وجود دارد، هیچ کدام باعث تغییر معنا نمی‌شود.

#### مطلب دوم: معنای این بخش

معنای آیه این است که شما این کارها را انجام بدهید، یعنی آن سه امر یا چهار امر را؛ البته چون خطیئة در صورت ترمذ معنا پیدا می‌کند و ترمذ با مخالفت با امر الزامی محقق می‌شود و ما اینجا سه امر الزامی بیشتر نداریم، لذا تحقق خطیئة با مخالفت با این سه امر است؛ امر به دخول در این قریه «وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ»؛ امر به دخول الباب سجداً «وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا»؛ و امر به اینکه از خداوند آمرزش و استغفار داشته باشند و طلب غفران کنند «وَقُولُوا حِطَّةً». امر دیگر که امر به اکل و بهره‌برداری از نعمت‌های فراوان الهی است، چون امر الزامی نیست، لذا در این ماجرا اگر هم کسی استفاده از نعمت‌ها نکند، خطیئة تلقی نمی‌شود؛ هر چند ما گفتیم که چون آن امر مطابق با روحیه بنی‌اسرائیل بود، همه از آن به بهترین شکل استفاده می‌کردند. لذا مخالفت با این امر خیلی مشکل نبود که بخواهد به عنوان یک خطیئة تلقی شود و به دنبالش بخواهد بخشش و غفران تحقق پیدا کند. لذا «نغفر لکم خطایاکم» به اعتبار این سه امر و مخالفتی که با این سه امر صورت گرفته، مطرح شده است. چون اینها با این سه دستور مخالفت کردند؛ خداوند می‌فرماید اگر استغفار کنید و از خدا طلب مغفرت و بخشش کنید، ما شما را مورد بخشش و مغفرت قرار می‌دهیم «وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ». اینجا بحث عمده در مورد «وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ» است؛ و الا آن قسمت اول خیلی مشکلی ندارد.

#### مطلب سوم: چگونگی ارتباط «سنزید المحسنین» با «نغفر لکم خطایاکم»

در مورد «وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ» این بحث و سؤال مطرح است که آیا این به دنبال «نغفر لکم» است، به این معنا که ما دو کار انجام می‌دهیم؛ از یک طرف شما را می‌آموزیم و از خطاهای شما درمی‌گذریم؛ غبارها را کنار می‌گذاریم و بعد چون این کار شما به عنوان احسان تلقی می‌شود، ما اجر و پاداش چندین برابر هم به شما می‌دهیم. این بسته به آن است که ما محسن و احسان را چگونه معنا کنیم، که حالا خواهیم گفت.

#### احتمال اول

یک احتمال اینکه «وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ» به دنبال «نغفر لکم» و مربوط به همان کسانی است که خداوند گناهان آنها را مورد بخشش قرار داده است.

#### احتمال دوم

احتمال دیگر این است که محسنین در اینجا یک گروه دیگری هستند غیر از آنهایی که خطایای آنها بخشیده و این یک عنایت ویژه است نسبت به برخی افراد. پس یا باید این دو را یکپارچه ببینیم و موضوع و موردش را یک صنف و گروه بدانیم، یا اینها را دو گروه و به عنوان دو کار جداگانه تلقی کنیم. این برمی‌گردد به اینکه ما احسان را چگونه معنا کنیم و محسن را به چه معنا بدانیم. با توجه به معنایی که برای احسان و محسن می‌کنیم، آن وقت تکلیف این دو احتمال معلوم می‌شود.

استاد: سؤال بسیار خوبی است که ما می‌بینیم از گناه و نافرمانی گاهی تعبیر به اثم می‌شود، گاهی تعبیر به ذنب می‌شود، گاهی تعبیر به خطیئه می‌شود، گاهی تعبیر به عصیان می‌شود. بعضی جاها سیئه داریم. این مطلب خوبی است؛ اگر فرصت شود من در مورد تفاوت اینها توضیح خواهم داد و اینکه اینجا چرا سخن از خطیئه به میان آورده، اینجا نمی‌خواهد بگوید اینها سهواً یک خطایی کردند و یک اشتباهی کردند؛ خطیئه به معنای همان گناه و نافرمانی است و اینها سمبل این نافرمانی‌ها بودند. اینکه چرا این را به کار برده، عرض می‌کنم؛ الان اصل این نکته‌ای که گفتم را توجه بفرمایید.

دو معنا برای «محسن»

۱. اینجا احسان یک وقت به معنای لغوی خودش مورد نظر است؛ وقتی می‌گویند محسنین، یعنی به جا آوردن گان عمل حسن و عمل نیکو. بر این مبنا، هر کسی هر کاری را که عمل نیکو محسوب شود، اگر انجام بدهد می‌شود محسن.  
۲. اما یک احتمال و معنای دیگری اینجا وجود دارد که مبین یک وصف خاص و ویژه است و آن مربوط به کسانی است که عمل نیکو انجام می‌دهند یا به تعبیر دقیق‌تر یقین نیکو و معرفت نیکو به خداوند تبارک و تعالی دارند.

مبنای احتمال اول

طبق احتمال اول، مجموع این جمله درباره یک گروه است؛ کسانی که طلب مغفرت کردند و استغفار کردند؛ خدا هم می‌گوید اگر این کار را بکنید یعنی با حالت خضوع وارد شوید و بعد استغفار کنید، ما شما را به عنوان محسن و به عنوان کسانی که کار نیکو انجام دادید و از راه خطا بازگشتید، اجر شما و پاداش شما را زیاد خواهیم کرد؛ از باب اینکه اگر کسی یک عمل خوب انجام بدهد ما ده برابرش را به او پاداش می‌دهیم، اینجا هم همینطور است؛ به این عنوان، مجموع اینها یک جمله می‌شود.

مبنای احتمال دوم

احتمال دیگر که گفتیم اینجا قابل ذکر است، این است که می‌خواهد بگوید ما در مواجهه با بنی‌اسرائیل نسبت به آن دسته که خطایا و ذنبا و گناهان داشتند، آنها را می‌بخشیم و از گناهان آنها می‌گذریم و نسبت به آنها که البته عده قلیلی بودند و همیشه فرمان‌بردار بودند و محسن محسوب می‌شدند، در مورد آنها به طور خاص عنایت ویژه می‌کنیم و به آنها پاداش بیشتر می‌دهیم. چون اینها خطیئه نداشتند؛ خطیئه برای اغلب بنی‌اسرائیل بود؛ از گناهان آنها درمی‌گذریم. اما این عده قلیل که همیشه اطاعت می‌کردند و همراه جمع نبودند، ما نسبت به اینها عطا و پاداش بیشتر می‌دهیم.

این دو احتمال در مورد این بخش از آیه هست؛ هر یک از این دو احتمال هم یک شاهد و قرینه‌ای برای آن است. در یک روایتی از امام صادق (ع) وارد شده که می‌فرماید: «إِذَا أَحْسَنَ الْمُؤْمِنُ عَمَلَهُ ضَاعَفَ اللَّهُ عَمَلَهُ بِكُلِّ حَسَنَةٍ سَبْعُمِائَةٍ» اگر مؤمن عملش را نیکو قرار بدهد، خداوند در برابر هر حسنه، هفتصد حسنه می‌نویسد. آن وقت در ادامه، راوی از معنای احسان سؤال می‌کند: «فَقِيلَ لَهُ وَ مَا الْإِحْسَانُ»، احسان چیست؟ امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِذَا صَلَّيْتَ فَأَحْسَنَ رُكُوعَكَ وَ سَجُودَكَ وَ إِذَا صَمْتَ فَتَوَقَّ كَلَّ مَا فِيهِ فَسَادٌ صَوْمَكَ وَ كَلَّ عَمَلَ تَعْمَلُهُ لَلَّهِ فَلْيَكُنْ نَقِيًّا مِنَ الدَّنَسِ»<sup>۱</sup> امام صادق (ع) می‌فرماید: احسان این است که وقتی نماز می‌خوانی، رکوع و سجود را نیکو به جا بیاوری و هنگامی که روزه می‌گیری، پس پرهیز کنی از هر چه

۱. تفسیر نورالتقلین، ج ۱، ص ۱۸۱.

موجب فساد روزه تو می‌شود؛ و هر کاری که برای خدا انجام می‌دهی، باید از هر نوع آلودگی پاک باشد. معنای حسن عمل این است. محسن یعنی کسی که عملش را نیکو انجام می‌دهد. خود عمل نیکوست و آن را به وجه نیکو انجام می‌دهد؛ و الا معنا ندارد که ما بگوییم عمل زشت و عمل سوء به وجه الحسن انجام شود؛ اصلاً قابلیت ندارد که عمل سوء بخواهد به وجه الحسن صورت بگیرد. بله، صورت ظاهری آن می‌تواند حسن داشته باشد ولی اینکه واقعاً حسن باشد، این چنین نیست.

سؤال:

استاد: عرض کردم که در برخی از آیات آمده است؛ ... گاهی قرآنی در هر آیه وجود دارد که آنجا یک معنایی غیر از این دو دارد؛ مثلاً در برخی موارد احسان به معنای نیکی کردن به دیگران است. مثل احسان به والدین؛ احسان گاهی نسبت به نفس و نسبت به عمل خود انسان معنا دارد، عمل نیکو انجام دادن است؛ یک وقت عمل نیک نسبت به دیگران انجام دادن است. این دو معنا با هم نسبتشان عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی هر احسانی به دیگران خودش حسن دارد. یعنی کسی که به دیگران احسان می‌کند، محسن است؛ هم عملش نیک است و هم احسان به دیگران است. اما گاهی از اوقات عمل نیک است، اما نیکی نسبت به دیگران نیست؛ مثل کسی که نماز را با رکوع و سجود نیکو بخواند؛ این احسان به دیگری نیست، بلکه خود عمل نیک است. لذا باید توجه داشت که احسان گاهی نسبت به دیگری است؛ اما باز همان‌جایی که نسبت به دیگری حسن محسوب می‌شود، خودش فی نفسه حسن دارد. اینها در موارد مختلف معانی متفاوتی دارند ... اگر معنای عام محسن را در نظر بگیریم، یعنی مطلق عمل نیکو. خداوند کسانی که عمل نیکو به جا می‌آورند را دوست دارد. حالا گاهی این نیکی علاوه بر اینکه خود عمل نیک است، به دیگران هم یک نیکی است؛ طبیعتاً می‌تواند این معنای عام از آن استفاده شود. علی‌ایحال این دو احتمال در مورد این آیه وجود دارد.

### نظر برگزیده

مجموعاً به نظر می‌رسد که این آیه در واقع دارد به دو گروه اشاره می‌کند؛ یعنی قسمت اول مربوط به کسانی است که در همه این سال‌ها آلودگی داشتند و گناه کردند، اینجا خداوند می‌فرماید ما گناهان شما را می‌بخشیم. اما در عین حال یک اقلیتی هم بودند که در میان بنی‌اسرائیل، اینها در طول این سال‌ها به گناه و نافرمانی آلوده نشدند. خداوند اینجا در واقع می‌خواهد بفرماید که انجام این اوامر نسبت به آنهایی که مخالفت کردند، موجب غفران الهی است. اما برای کسانی که اهل مخالفت و نافرمانی نبودند و اطاعت می‌کردند، اینطور نیست که انجام این اوامر نسبت به اینها پاداشی نداشته باشد. آنها که اهل احسان بودند و همیشه هم پاداش دریافت کرده‌اند، اما اینجا با انجام این امور، ما زیاد می‌کنیم پاداش آنها را.

«والحمد لله رب العالمین»